

## پلان ۱

کوتاه درباره سه‌مستند «اکران حقیقت»

## گلوله‌باران

## و بارانی که می‌بارد



مستند «گلوله‌باران» تولید مشترک مرکز مستند حقیقت و مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی در سبیز دهمین جشنواره «سینماحقیقت» روی پرده رفت و مورد توجه قرار گرفت. مرتضی پایه‌شناس در این روایت ضدفصه و خاص، سرنوشت ۳مرد را روایت کرده که در بحران گرفتار شده‌اند. نام فیلم، اشاره‌ای تلویحی به موقعیتی است که تعدادی از مدافعان حرم در آن محصور شده‌اند. در سکانس پایانی و جایی که همه‌چیز ظاهراً به آرامش و زندگی ختم شده، بارش باران نوید زندگی است؛ نوید یک فرصت دوباره برای تجربه زیبایی‌های زندگی. فیلم شرح این همجواری است؛ همجواری تنگاتنگ زندگی و مرگ. «گلوله‌باران» شروع مسیری تازه در کارنامه فیلمسازی است که با «فیلم ناتمامی برای سمیه» شناخته شده است. او یک فیلم خوب کوتاه هم در کارنامه دارد: «چوب». «چوب» بدون دیالوگ، بدون هیچ نشانه و عنصر اضافه به کمک تصویر و صدا، باز هم تقابل زندگی و مرگ را به تصویر کشیده است. از این جهت، «گلوله‌باران» و «چوب» از یک سلیقه و نگاه برخاسته‌اند و به ذات سینما نزدیکند. مرتضی پایه‌شناس که با «فیلم ناتمامی برای سمیه» نشان داده راوی خوبی است، با «گلوله‌باران» و «چوب» به عرصه‌ای تازه پا گذاشته است؛ جهانی که به سینما نزدیک‌تر است تا ادبیات.

## پلان ۲

## جان پناه

## کرونا، تهران و زندگی

فرزاد جعفری در مستند «جان‌پناه» به موضوع مواجهه انسان با بحران، بعدی تازه داده است. فیلم، روایتی از یک گروه از مهندسان ساختمان است که باید بخشی از بیمارستانی را بازسازی کرده و در اختیار بیماران مبتلا به کرونا قرار دهند. برای بیننده‌ای که آن روزهای سخت و دشوار را به یاد دارد، تماشای «جان‌پناه» تجربه‌ای است که احساسی دو گانه را در بیننده به‌وجود می‌آورد. خاطرات تلخ یادین تصاویر زنده می‌شوند و از سوی دیگر شرح این روایت و مقابله، غرورآفرین است. فیلمساز کوشیده با محور قراردادن شخصیت مهندس، او را به‌عنوان قهرمان مبارزه با کرونا در آن بیمارستان، به مخاطب معرفی کند. قهرمانی با اراده که با وجود مخالفت‌ها و مشکلات می‌کوشد، پروژه بسامان برسد. «جان‌پناه» به‌عنوان یک مستند گزارشی، اطلاعاتی کامل از پروژه تجهیز بیمارستان دارد و در کنار آن، روند شیوع ویروس کرونا در روزهای نخست را ثبت می‌کند. به این دلیل فیلم در سال‌های آتی هم ارزش تماشا دارد.



## پلان ۳

## کنتر پوان

## یک چهره، هزار راز



مستندهای پر تره، محبوب و پرمشاهگر هستند و در ایران، دوستداران پرشماری دارند. «کنتر پوان» به کارگردانی محمد فرزین‌نیا که در پانزدهمین جشنواره «سینماحقیقت» نمایش داده شد یکی از بهترین مستندهای پر تره سال‌های

اخیر است که براساس پژوهشی همه‌جانبه و دقیق ساخته شده است. فیلمساز روایت پر جزئیاتش از شخصیت چند بعدی و غریب رکن‌الدین مختاری را به‌کمک تصاویر بازسازی شده و گفتار متنی جذاب به گوش مخاطبش می‌رساند. فیلم، از این منظر که تماشاشگر را با یک چهره مهم تاریخ معاصر آشنا کرده و وجوه مختلف شخصیت او را عیان می‌کند، به‌عنوان سسندی تاریخی اهمیت یافته و بارها قابل دیدن است. کارگردان در روایتی دقیق و پرنکته، پرده از راز و رمزهای زندگی مختاری برمی‌دارد. «کنترپوان» زندگی دوگانه مختاری را به‌هم پیوند می‌زند، از دنیای موسیقی به گستره سیاست می‌رسد و بخش‌هایی جذاب از تاریخ معاصر را برای بیننده بازگو می‌کند. ظهور رضاخان، خفقان حاکم بر جامعه، سرکوب مردم و عکس از آن مقطع، به‌رواق موسیقی و هنر در آن مقطع، مورد‌است که فیلم‌مطرح می‌کند. فرزین‌نیا در کمبود تصویر و عکس از آن مقطع، با بازسازی بعضی فصل‌های زندگی مختاری، مثل فصل دادگاه، ساختار بصری فیلمش را غنا بخشیده است. استفاده از صدای بازیگران مطرح (پیام دهکردی، رضا بابک، حمیدرضا آذرنگ و…) اجرای گفتار متن‌ها را تنوع و گرما داده است.

## فرهنگ



## ۵ قطعه‌آسان

بررسی عملکرد یک‌سال مدیریت «محمد خزاعی» در سازمان سینمایی

**گزارش** **مسعود پویا** *روزنامه‌نگار*

هفتم مهرماه ۱۴۰۰، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی محمد خزاعی را به سمت رئیس سازمان سینمایی منصوب کرد؛ پیش از آن بارها صحبت از حضور خزاعی در سازمان سینمایی به گوش رسیده بود ولی گفته می‌شسد مذاکرات این دو نتیجه‌بخش نبوده و مدیریت خزاعی بر سینمای ایران منتفی شده است. صحبت از گزینه‌های دیگری در میان بود که خبر رسید در نهایت اسماعیلی، وزیر ارشاد به همان گزینه قبلی بازگشته است و اینگونه شد که خبر حضور تهیه‌کننده «فلاذه‌های طلا» در سازمان سینمایی روی خروجی خبرگزاری‌ها رفت. انتخاب محمد خزاعی به‌عنوان تهیه‌کننده سینمایی که سابقه دبیری چند دوره جشنواره فیلم فجر و جشنواره فیلم‌های دفاع مقدس را در تمام ایرادهای وارده بر آن، افتخار بین‌المللی جنس سینما با سابقه مدیریت فرهنگی که مناسب‌ترین گزینه دولت سیزدهم برای تصدی ریاست سازمان سینمایی بود. هر چند مشکلات اثباتش مشکلات سینمای ایران پس از ۳سال کرونا، نشان می‌داد خزاعی مسیر دشواری را پیش‌رو دارد.

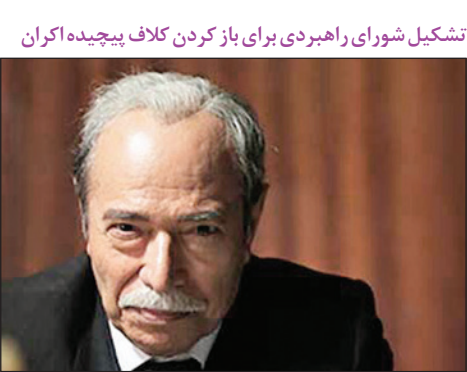
## تصمیم به انحلال جشنواره جهانی

انحلال جشنواره جهانی فیلم فجر یکی از جنجالی‌ترین تصمیمات محمد خزاعی بود. ۱۴۰۰ پایان ۱۴۰۰ رئیس‌سازمان سینمایی اعلام کرد: «پیرو بررسی کارگروه مطالعه و ارزیابی جشنواره‌ها و بنا به مطالبه‌های صنوف و سینماگران کشور در سال‌های گذشته، سازمان سینمایی به این جمع‌بندی رسیده است که ۲جشنواره ملی و جهانی فجر را به‌صورت یکپارچه تحت‌عنوان «جشنواره بین‌المللی فیلم فجر» برگزار کند.» به این ترتیب داستان برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر به پایان رسید. جشنواره جهانی فیلم فجر دستاورد سازمان سینمایی دولت یازدهم بود. تفکیک بخش بین‌الملل از بخش ملی به تولد جشنواره‌ای انجامید که با تمام ایرادهای وارده بر آن، اعتبار بین‌المللی یافته بود. جشنواره‌ای که به تازگی به عضویت فیایف (فدراسیون بین‌المللی انجمن تهیه‌کنندگان فیلم) در آمده بود. واقعیت این است که راه‌اندازی جشنواره جهانی، هم فرصت و مجال بیشتری برای فیلم‌های ایرانی در جشنواره ملی فجر فراهم می‌شد و هم بخشی که عملاً زائد بود برای خود هویتی مستقل یافته بود. به شیوه برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر انتقاداتی وارد بود ولی متوقف کردنش هم حکم بازگشت به گذشته را داشت. اقدامی که بیسندتی با مخالفت مواجه شد و حتی رسانه‌هایی که باره‌انسیب به عملکرد جشنواره جهانی انتقاد وارد کرده بودند هم منتقد اقدام رئیس سازمان سینمایی شدند. مهر در تحلیلی با اشاره به عضویت جشنواره جهانی فجر در فیایف چنین آورد: «اهمیت این ثبت جهانی و پیوستن به فیایف در آن است که به‌گفته دبیران این رویداد تنها ۱۶ رویداد معتبر در سطح جهان توانسته‌اند به این جایگاه برسند. اتفاقی که می‌توانست دروازه‌ای برای مطرح شدن سینمای ایران در سطح جهان شود. حالا اما با اتمام این ۲بخش، سرنوشت این موضوع هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، رویدادی که توانسته گامی بلند در ثبت جهانی بردارد تنها یکسال بعد از موفقیتش بلافاصله در تقویم سینمایی جایه‌جا می‌شود که اتفاقا یکی از اساسی‌ترین دلایل در تأخیر این ثبت همان تاریخ برگزاری‌اش بود. ادغام دوباره بخش ملی و جهانی فیلم فجر، به تعبیری به‌معنای انحلال «فجر جهانی» می‌تواند قلمداد شود و این اتفاق یعنی یکی از دستاوردهای سینمای ایران در سال گذشته در تصمیم‌گیری تازه مدیران سینمایی به‌طور کامل نادیده انگاشته شده است. محمد خزاعی حالا باید روشن سازد که راه‌حش برای باز کردن این گره چیست و آیا اساساً این امر بی‌موضوعیت دارد یا نه.»



## سفرهای استانی

این را می‌توان با قاطعیت اعلام کرد که هیچ کدام از مدیران دولت سیزدهم به اندازه رئیس سازمان سینمایی به سفرهای استانی نرفته است. خزاعی سفرهای استانی‌اش را چند ماه بعد از حضور در ساختمان میدان بهارستان آغاز کرد و در مدت چندماه در بسیاری از نقاط کشور حضور یافت؛ از این جهت خزاعی زکوردار سفرهای استانی می‌داند. به‌طوری که در سال‌های پایانی دولت دوازدهم، از هنر و تجربه فقط یک نام‌قلمی مانده بود. خزاعی تصمیم گرفت برای تقویت این گروه، مؤسسه هنر و تجربه ایرانیان را زیرمجموعه مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی قرار دهد. «مرکز گسترش از این پس مدیریت، هماهنگی و نظارت بر فعالیت‌های این حوزه و همچنین، وظیفه حمایت و کمک به چرخه اکران فیلم‌های هنری و تجربی را بر عهده خواهد داشت. در فصل جدید حمایت از اکران آثار هنری و تجربی، در کنار مؤسسه هنر و تجربه ایرانیان، کلیه مؤسسات و دفاتر پخش و اشخاص حقیقی و حقوقی علاقمند هم می‌توانند در این عرصه حضور پیدا کنند و هیچ مجموعه‌ای به‌صورت انحصاری در ایسن زمینه فعالیت نخواهد داشت.»



## تشکیل شورای راهبردی برای باز کردن کلاف پیچیده اکران

انبوه فیلم‌هایی که در زمان کرونا پشت خط اکران قرار گرفته بودند را می‌توان یکی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریتی سازمان سینمایی در دولت سیزدهم دانست. بیش از ۲۰۰فیلم آماده اکران که اغلب هم در دولت قبلی پروانه گرفته و تولید شده بودند، صفی طولانی بی‌سابقه در تاریخ سینمای ایران تشکیل داده بودند؛ صفی که محصول دست کم یک‌سال‌انیم تعطیلی اکران بودند. در واقع اکران عمومی از اسفند۱۳۹۸ تا اواخر تابستان ۱۳۹۹ تقریباً تعطیل بود و معهود فیلم‌های اکران شده در این ایام نیز با شکست مواجه شده بودند. حالا همه این فیلم‌ها با شروع مدیریت محمد خزاعی که با فروکش کردن پاندمی کرونا همراه بود آماده اکران عمومی بودند. ضمن اینکه در این فاصله هم آثاری پروانه ساخت گرفته و در مراحل مختلف تولید قرار داشتند. مأموریت دشوار شورای صنفی نمایش برای سامان دادن به وضعیت اکران عمومی و حاشیه‌هایی که در پی اعلام زودهنگام فیلم «لامینور» دارپوش مهرجویی به‌عنوان یکی از آثار اکران نوروزی پیش آمد، خزاعی را به این نتیجه رساند که یک نهاد بالادستی برای ششورای صنفی ایجاد کند. خزاعی در حکم اعضای شورای راهبردی اکران این وظایف را برای این شورا تعریف کرد: «بررسی و ایجاد راهکارهای مؤثر در تأمین نیازهای نمایش، پیشنهاد شیوه‌های حمایتی اکران فیلم‌های سینمایی، برنامه‌ریزی اکران فیلم‌های تولید شده دوران کرونا، تدوین و اصلاح آیین‌نامه شورای صنفی نمایش، تقویت و توسعه بازار داخلی سینمای ایران، صیانت از حقوق مخاطبان سینمای ایران، توجه به اولویت‌های فرضی کشور در برنامه‌ریزی و تدوین آیین‌نامه اکران.» تشکیل شورای راهبردی اکران، عملاً چندماهی شورای صنفی نمایش را به حاشیه راند و در این فاصله گفته می‌شد بیشتر تصمیمات درباره اکران فیلم‌ها، در سازمان سینمایی گرفته می‌شود. تا اینکه اعضای جدید شورای صنفی نمایش انتخاب و دور تازه فعالیت‌های این شورا با شتاب‌بخشیدن به اکران فیلم‌های در نوبت نمایش عمومی آغاز شد. در ماه‌های اخیر شاهد

شلوغ‌ترین اکران سال‌های بعد از انقلاب بوده‌ایم. اکران شلوغی که نتایج‌اش ناراضیاتی اغلب صاحبان فیلم‌ها از کمبود سالن و سانس مناسب است. این راه‌م باید گفته که در شرایطی که به گفته یکی از مدیران سینمایی بیش از ۱۷۰فیلم متقاضی اکران عمومی هستند، هر تصمیمی در این خصوص، با مخالفت‌هایی همراه خواهد شد. باز کردن کلاف پیچیده اکران که در نهایت نه از عهده شورای راهبردی برآمد و نه شورای صنفی نمایش توانست راهکار مناسبی برای آن بیابد، یکی از مهم‌ترین مشکلات رئیس سازمان سینمایی است؛ مشکلی که از دوره قبلی روی دوش محمد خزاعی و همکارانش قرار گرفته است.

## مرکز گسترش؛ متولی هنر و تجربه

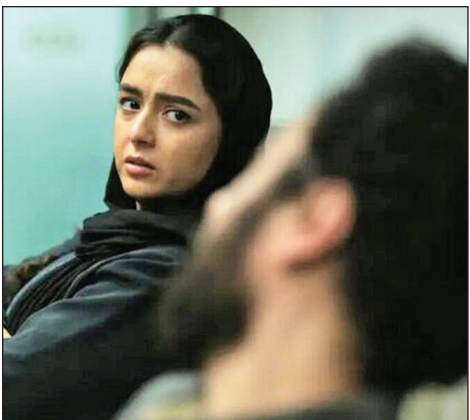
یکی از تصمیمات مهم محمد خزاعی تغییر مدیریت گروه هنر و تجربه بود. رئیس سازمان سینمایی مرکز گسترش سینمایی مستند، تجربی و پویانمایی را به‌عنوان متولی اکران فیلم‌های هنری و

تجربی معرفی کرد. تصمیمی که واکنش‌های متفاوتی را در پی داشت. گروه هنر و تجربه در دوران مدیریت حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی دولت یازدهم تشکیل شد؛ گروهی که در سال‌های اول فعالیتش امیدهایی پرانگیخت و خیلی‌ها آن را مهم‌ترین دستاورد دوران مدیریت ایوبی می‌دانند. با کنار رفتن ایوبی از سازمان سینمایی، مدیران بعدی به مرور چتر حمایتی‌شان را از گروه هنر و تجربه کوتاه و کوتاه‌تر کردند. به‌طوری که در سال‌های پایانی دولت دوازدهم، از هنر و تجربه فقط یک نام‌قلمی مانده بود. خزاعی تصمیم گرفت برای تقویت این گروه، مؤسسه هنر و تجربه ایرانیان را زیرمجموعه مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی قرار دهد. «مرکز گسترش از این پس مدیریت، هماهنگی و نظارت بر فعالیت‌های این حوزه و همچنین، وظیفه حمایت و کمک به چرخه اکران فیلم‌های هنری و تجربی را بر عهده خواهد داشت. در فصل جدید حمایت از اکران آثار هنری و تجربی، در کنار مؤسسه هنر و تجربه ایرانیان، کلیه مؤسسات و دفاتر پخش و اشخاص حقیقی و حقوقی علاقمند هم می‌توانند در این عرصه حضور پیدا کنند و هیچ مجموعه‌ای به‌صورت انحصاری در ایسن زمینه فعالیت نخواهد داشت.»

آنچه رئیس سازمان سینمایی به‌عنوان پویایی و تحول در فعالیت گروه هنر و تجربه نام برده بود، هنوز نمود چندانی نداشته است. به‌منظر می‌رسد که مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی همچنان در حال سبری کردن دوران گذار است و برای مشاهده نتیجه عملکرد گروه هنر و تجربه باید به راه‌افتاد و بعد از آن ماجرای متروپل آبادان پیش آمد و بیانه‌ای لوگوی هنر و تجربه عوض شده که البته عده‌ای اعتقاد دارند لوگوی قبلی شکل‌تر و بهتر بود. جدای از این، مرکز گسترش به‌عنوان متولی گروه هنر و تجربه، جلسات متعددی با کارشناسان و صاحب‌نظران و فیلمسازان برگزار کرده و به آسیب‌شناسی مشکلات و موانع و چالش‌های پیش روی عملکرد این گروه پرداخته است؛ قاعده‌تا خروجی این جلسات کارشناسی باید در دور تازه فعالیت گروه هنر و تجربه مشاهده شود.

## ممنوع‌الکارهای سینما؛ اسامی‌ای که اعلام نشدند

ماجرای حاشیه‌های حضور فیلم‌ها و فیلمسازان ایرانی در جشنواره کن آغاز شد؛ به‌طور مشخص حضور فیلم «برادران لیلاد» در بخش مسابقه جشنواره فیلم کن که بدون دریافت پروانه از سازمان سینمایی راهی فستیوال شد. مجموعه اتفاق‌های رخ داده در حاشیه برگزاری جشنواره و اظهارنظرهای عوامل سازنده برادران لیلاد، به جنجال‌هایی دامن زد که نتیجه‌اش به محاق رفتن فیلم بود و در مرحله فیلم به راه‌افتاد و بعد از آن ماجرای متروپل آبادان پیش آمد و بیانه‌ای که ۱۷۰سینماگر آن را امضا کردند. خزاعی ۲۵مرداد در گفت‌وگو با خبرنگاران وعده داد تا یک هفته دیگر اسامی ممنوع‌الکارهای سینما اعلام می‌شود. رئیس سازمان سینمایی گفت: «یک‌سری از دوستان برای بیانه ۱۷۰فیلم و یک‌سری دیگر از دوستان نیز در حاشیه جشنواره فیلم کن دچار مشکلاتی شده‌اند. در این راستا و درباره بیانه ۱۷۰نفر درخواستی کردیم که گفتند این جریان مربوط به سازمان سینمایی نیست، همچنین از کسانی که این بیانه را امضا نکرده و اطلاعی نسبت به آن نداشتند خواستیم رسماً اعلام کنند تا دچار مشکلات عدیده نشوند اما اینکه کدامیک از این دوستان ممنوع‌الکار هستند، تا آخر هفته آینده رسماً اعلام می‌شود.» بعد از این صحبت‌ها رسانه‌ها شروع به گمانه‌زنی درباره ممنوع‌الکارهای سینما کردند. در طول این ۴دهه سینماگران بسیاری ممنوع‌الکار شده بودند ولی هرگز اسامی به‌صورت رسمی اعلام نمی‌شد. به همین دلیل صحبت‌های خزاعی عجیب به‌نظر می‌رسید. در نهایت هم ماجرا به سکوت برگزاشت. ماجرای اعلام اسامی ممنوع‌الکارهای سینما را شاید بتوان عجیب‌ترین رفتار مدیریتی خزاعی دانست.



## همیشه‌ری

## سینمای مستند

فرشاد اکتسابی از اهمیت اکران آنلاین می‌گوید

## راهی برای رونق سینمای مستند



اکران آنلاین به‌عنوان یکی از راهکارهای نمایش عمومی فیلم‌ها در ایام کرونا، هسر قدر در حوزه فیلم‌های بلند سینمایی تجربه‌ای شکست خورده بود در زمینه فیلم مستند مورد استقبال علاقه‌مندان سینمای مستند قرار گرفت. به‌خصوص اینکه فیلم‌های مستند برای اکران عمومی، راهی جز حضور در گروه هنر و تجربه نداشتند و عموماً هم مخاطب چندانی نمی‌یافتند. در حالی که با اکران آنلاین، امکانی برای دیده شدن بهتر و مناسب‌تر فیلم‌های مستند فراهم آمد. فرشاد اکتسابی، مستندساز درباره تأثیر اکران‌های آنلاین بر سینمای مستند گفت: از ۲ سال گذشته که بحث اکران‌های آنلاین به میان آمد و مخاطبان امکان این را پیدا کردند که به‌صورت آنلاین آثار مستند را تماشا کنند، افراد زیادی که در شهرستان‌ها حضور داشتند نیز توانستند به این آثار دسترسی پیدا کنند و این اتفاق مثبت و خوبی بود، به‌ویژه در خصوص آثار حاضر در جشنواره نیز این اتفاق بسیار امیدوارکننده بود.

او که با ایلنا گفت‌وگو می‌کرد ادامه داد: اگر این اکران‌ها در پلتفرم‌های اختصاصی نیز رخ دهند فکر می‌کنم سینمای مستند شاهد اقبال بیشتری باشد. همچنین اگر در کنار این اکران‌های آنلاین امکاناتی فراهم شود که آثار مستند را در سینماها نیز اکران کرد، باز هم شاهد جذب مخاطبان هستیم، به هر صورت سالن‌هایی‌ال ان در دسترس هستند که ظرفیت کمتری دارند و در سانس‌های اختصاصی و مختلف شرایط پیش آثار مستند در آنها فراهم است. اهمیت اکران در سالن‌های سینما از آن جهت است که تأثیرگذاری بیشتری نسبت به صفحه مانیتور دارد و ارتباطی که مخاطب با مستند و حال و هوای آن پیدا می‌کند نیز ملموس‌تر و محسوس‌تر است.

کارگردان فیلم «همراه با فرات» درباره تأثیر عملکرد وی‌اودی‌ها بر افزایش تماشای مستند در میان مخاطبان بیان کرد: نمایش آثار مستند در چنین وی‌اودی‌هایی اتفاق مثبت و رو به جلویی است اما نکته مهم‌تر این است که افراد کمی هستند که با سایتی مانند هاشور آشنا باشند و اصلاً بدانند از چه طریقی می‌توانند مستند ببینند. تبلیغات رکن اصلی آشنایی مردم با سینمای مستند است که فکر می‌کنم به آن پرداخته نمی‌شود.



## تمامی این امکان‌هایی که برای نمایش

## آثار مستند درحال اجرا هستند، مؤثر،

## خوب و تأثیرگذارند چراکه مهم این است

## مردم آثار مستند را ببینند؛ حال از هر

## طریقی. همچنین این را باید در نظر گرفت

## که اکران آثار متنوع در ژانرهای متنوع برای

## مخاطبانی با ذائقه‌های متفاوت خوشایندتر

## است و این باعث جذب مخاطبان بیشتری

## هم می‌شود

اوافزود: باید برای اکران‌های آنلاین تبلیغات داشته باشیم و من فکر می‌کنم این تنها مشکلی است که این شیوه نمایش آثار دارد. این را باید بدانیم که مردم در ابتدا باید بدانند آثار مستند در کجا و به چه صورت درحال نمایش هستند و برای رسیدن به چنین نقطه‌ای مثبت‌ترین راه تبلیغات درست است.

این کارگردان مستند درباره طرح «اکران حقیقت» که به همت مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی آغاز شد و همچنان ادامه دارد و آثار مستند متعددی از این طریق در حال نمایش هستند، عنوان کرد: فکر می‌کنم یکی از مستندهای من در میان نخستین آثار اکران شده در طرح «اکران حقیقت» باشد.

من معتقدم تمامی این‌امکان‌هایی که برای نمایش آثار مستند در حال اجرا هستند، مؤثر، خوب و تأثیرگذارند چراکه مهم این است مردم آثار مستند را ببینند؛ حال از هر طریقی. همچنین این را باید در نظر گرفت که اکران آثار متنوع در ژانرهای متنوع برای مخاطبانی با ذائقه‌های متفاوت خوشایندتر است و این باعث جذب مخاطبان بیشتری هم می‌شود.

او ادامه داد: درنهایت نتیجه این عملکردها بررسی می‌شود و در این موضوع هم من باز معتقدم اگر تبلیغات و اطلاع‌رسانی خوبی صورت گیرد، نتیجه قابل‌قبول و مطلوب خواهد بود. این را نیز باید بدانیم که این تبلیغات باید در سطح عموم مردم شکل بگیرد، نه تنها برای افراد متخصص و اهالی سینما چرا که ما خودمان از فعالیت‌ها و آثار یکدیگر با خبر هستیم و می‌خواهیم مردم فیلم ما را تماشا کنند.